

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره سی و یکم. بهار ۱۳۹۸، صص ۲۶۱-۲۷۷ Vol 3. No 31. 2019, p 261-277

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

ترسیم پایان فقر در اسناد بین المللی حقوق بشر

مهدی خوشروی

کارشناس ارشد حقوق

mahdi.khoshrooy@gmail.com

چکیده

اسناد بین المللی مرتبط با حقوق اساسی بشر، همواره از مبارزه با فقر طبقاتی و تضمین حقوق رفاه اجتماعی سخن گفته اند به طوری که در سند جهانی دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰، ریشه کنی فقر به عنوان اولین هدف مهم جامعه بین المللی تعریف شده است. بررسی حقوقی مانند حق مسکن، حق بر آب و غذا، کار، آموزش، بهداشت، حمایت اجتماعی و بحث در موضوعاتی مانند رابطه فقر با حقوق بشر، نظام عدالت کیفری، تبعیض و طرد شدگی چارچوب پژوهشی ما را تشکیل می دهد. همچنین در آخر نیم نگاهی آماری به وضعیت فقر در ایران خواهیم داشت.

در هر حال به نظر می رسد که جامعه جهانی در اسناد بین المللی تا حدودی از تضمین حقوق فقرا صحبت نموده است اما مشکل زمانی پیدا می شود که به سبب منافع جویی ها و خودکامگی ها همواره پای عمل می لنگد. متأسفانه به نظر می رسد نظام سرمایه داری غلط، نوعی از برده داری نوین را ایجاد کرده و چنین شیوه ای قطعاً نیازمند اصلاح است.

واژه های کلیدی: اسناد بین المللی، فقر، حقوق بشر، رفاه، ثروت

مقدمه:

فاصله قله‌های ثروت و دره‌های فقر همواره پرتگاه مردمی بوده است که به علت جامعه طبقاتی به انتهای درد سقوط کرده‌اند. سرنوشت چنین انسان‌هایی هیچ‌گاه برای انحصار طلبان طبقه ثروت و قدرت ذره‌ای اهمیت ندارد. متأسفانه افشار آسیب‌پذیر جامعه در کشاکش فقر و فلاکت، زیر چرخ دنده‌های فساد و سرکوب نابود می‌شوند. اگر تاریخ را نگاه کنیم تمامی پیغمبران و مصلحان اجتماعی دست فقرا را به گرمی می‌فشردند و از عدالت اجتماعی سخن می‌گفتند و در مقابل فراعنه‌ی ظلم می‌ایستادند. زمان‌گذشت و در دوران معاصر نیز مبارزه با فقر از اصول اساسی حقوق بشر امروز محسوب می‌شود.

به طوری که اسناد بین‌المللی از اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین جهانی تا سند دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰، از حق رفاه اجتماعی و ریشه‌کنی فقر سخن می‌گویند و حتی یک روز به عنوان روز جهانی ریشه‌کنی فقر نامگذاری شده است. در این پژوهش تلاش خواهیم نمود ضمن باز تعریف رابطه فقر و حقوق بشر به احصاء حقوق مرتبط با حق رفاه اجتماعی بپردازیم. حقوقی مانند حق بر آب و غذا، کار و امنیت شغلی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مسکن چارچوب پژوهشی ما را تشکیل می‌دهد. همچنین در مورد موضوعات فقر و گروه‌های خاص، دادگستری و فقرا، فقدان قدرت سیاسی، تبعیض و طرد شدگی آن‌ها نیز بحث نموده و همچنین اختصاراً به استناد به آمارهای منتشره نیم‌نگاهی به وضعیت فقر در ایران نیز خواهیم داشت.

هدف اصلی پژوهش این است که با جستجو در متون اسناد بین‌المللی به این سوال مهم پاسخ دهد که اسناد حقوق بشر جهانی پایان فقر را چگونه ترسیم نموده‌اند؟! در هر حال به نظر می‌رسد که تا حدودی در مورد راهکارهای مبارزه با فقر و تعریف حقوق رفاه اجتماعی در اسناد بین‌المللی صحبت شده است. به طوری که در قطعنامه ۲۱/۱۱ شورای حقوق بشر در سپتامبر ۲۰۱۲ (اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر) دیدگاه جامع‌تری از ابعاد مختلف مبارزه با فقر طبقاتی مطرح می‌شود.

در سال ۲۰۱۵ نیز کشورهای جهان با تصویب دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ و تعیین اهداف مهم جهان امروز برای توسعه، ریشه‌کنی فقر را به عنوان اولین هدف مهم بین‌المللی تعریف نمودند. اما به نظر می‌رسد که بایست گام‌های عملی در جهت مبارزه با فقر برداشت، چرا که «در گذشته، سیاست‌های عمومی غالباً در حل مشکلات افراد دچار فقر شدید ناکام بوده و منجر به انتقال فقر به نسل‌های بعدی آنان شده است. . . فقدان انسجام سیاسی در سطح ملی یا بین‌المللی غالباً تعهد برای مبارزه با فقر تضعیف یا رد می‌کند» (اصول راهنما درباره فقر شدید) اگر کشورهای جهان به ریشه‌کنی فقر در جامعه خود و حتی در دیگر جوامع اهمیت لازم را ندهند صحبت از مبارزه با فقر، به تنهایی ره به جایی نخواهد برد. در هر حال این مایه‌ننگ بشریت معاصر می‌باشد که طبق گزارش آکسفام در سال ۲۰۱۷، «ثروت ۸ نفر به اندازه دارایی نصف مردم جهان است!!!» . . . این موضوع بسیار ناپسند است که حجم عظیمی از ثروت جهان، فقط در دست تعداد

محدودی است؛ در حالیکه از هر ۱۰ نفر در جهان، یک نفر دارای درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز است»
{۱}

فقر و حقوق بشر

هر کس فارغ از نژاد، مذهب، عقیده سیاسی و حتی موقعیت اقتصادی حق دارد که از حقوق بنیادی و ذاتی یک انسان بهره مند باشد. حق رفاه اجتماعی که متضمن یک زندگی آبرومند و شرافتمند می‌باشد در مقابل وضعیت فقر قرار گرفته و این حق بشری همه‌ی انسان‌هاست. در جایی که فقر ریشه دوانیده، حرف از حقوق بشر افسانه‌ای بیش نیست چرا که «وجود گسترده فقر شدید مانع از برخورداری کامل و موثر حقوق بشر می‌شود. . . فقر شدید و محرومیت اجتماعی به عنوان نقض کرامت انسانی تلقی می‌گردد. (اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین) البته آن گونه که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز ذکر شده است «کمال انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر، فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او فراهم شود.»

در هر حال اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین المللی مرتبط با حقوق بشر توجه ویژه‌ای به حق رفاه اجتماعی و مبارزه با جامعه طبقاتی و تضمین حقوق بنیادین فقرا داشته‌اند. به عنوان مثال، در اعلامیه هزاره ملل متحد مبارزه با فقر و رهایی نژاد بشر از تنگدستی و تامین حقوق بشر فقرا از جمله تاکیدات جامعه جهانی محسوب می‌شود. حتی در سال ۲۰۱۲ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه‌ای را تحت عنوان اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر تصویب نمود. در این اصول با تشریح حقوق ذاتی بشر به تأثیرات فقر در نقض حقوق بشر توجه ویژه‌ای شده است. این سند مهم بین المللی با این پیشگفتار آغاز می‌شود که «در دنیایی با میزان بی سابقه توسعه اقتصادی، ابزار و امکانات فن آوری و منابع مالی، این که میلیون‌ها انسان در فقر شدید زندگی کنند از نظر اخلاقی اهانت آمیز است و اصول راهنمای کنونی بر این درک استوار است که ریشه کن کردن فقر شدید نه فقط وظیفه اخلاقی بلکه تعهدی قانونی براساس قوانین بین المللی موجود مربوط به حقوق بشر است» در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۱۵ مورد تصویب اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان قرار گرفت نیز ریشه کنی فقر به عنوان اولین هدف جامعه جهانی تعریف شده است. دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ به صراحت از حذف فقر در کنار صلح به عنوان پیش برندگان توسعه پایدار نام برده و فقر مطلق را بزرگترین چالش جهانی معرفی می‌نماید. این سند جهانی صراحتاً می‌گوید «ما بر آنیم تا نسل بشر از جور فقر برهانیم» و آرزو می‌کند «ما می‌توانیم اولین نسلی باشیم که فقر را پایان داده است.»

نتیجتاً به نظر می‌رسد فاصله حرف تا عمل حقوق بشر را موانعی مستحکم از منافع جویی، سرمایه داری، امتیازخواهی، برده داری نوین و . . . اشغال نموده است. تا زمانی که مسائل مهمی مانند انحصار طلبی

اقتصادی یک عده خاص از افراد، شرکت‌ها و یا حتی کشورها حل نشود و ائتلاف قدرت و ثروت شکست نخورد می‌توان گفت صحبت از حقوق بشر در ریشه کنی فقر، یک فریب به ظاهر زیباست.

فقدان قدرت سیاسی، تبعیض و طرد شدگی

در مناسبات نابرابر ائتلاف قدرت و ثروت بر علیه فقرا، صدای تنگدستان به طور فزاینده ای تضعیف و خاموش می‌شود تا مبدا قوانینی که خودکامگی سرمایه داران را نشانه خواهد گرفت دچار خدشه شوند! همان طور که در بند ۱۸ اصول راهنما درباره فقر شدید تاکید شده است «فقیران دقیقاً به علت فقر خود در معرض نگرش‌های تبعیض آمیز و بدنام کننده از سوی مسئولان عمومی و فعالان خصوصی قرار می‌گیرند.» طبیعی است که انحصار طلبان اقتصادی و ایادی سیاسی آن‌ها با گسترش فساد و تبعیض، امتیازات خاص خود را تقویت کرده و کاخ‌های ظلم را بر اجساد بی جان فقرای فاقد قدرت سیاسی بنا می‌کنند. بدیهتاً اگر فقیران قدرت سیاسی پیدا کنند و از وضعیت طردشدگی به در آیند با فساد و تبعیض مبارزه خواهند نمود و دقیقاً همین موقع است که قله‌های قدرت و ثروت به خاک سیاه می‌نشیند. همان طور که در مقدمه اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر آمده است: «سیاستمداران، ارائه دهندگان خدمات و سیاستگذاران، مردم دچار فقر شدید را به علت فقدان صدای سیاسی، سرمایه مالی و اجتماعی آنان و محرومیت اجتماعی مزمن ایشان معمولاً نادیده می‌گیرند یا نسبت به تامین حقوق ایشان کوتاهی می‌کنند. تبعیض علیه مردم دچار فقر شدید فراوان بوده و به حدی گسترده تحمل می‌شود. . . . در حاشیه ماندن، طردشدگی و بدنام سازی آنان غالباً به این معنی است که خدمات و سیاست‌های عمومی به گونه موثری شامل حال ایشان (فقرا) نمی‌شود.»

متأسفانه ثروتمندان و قدرتمندان خود را صاحب اختیار فقرا می‌دانند و قوانین را به نفع خود در راستای حفظ منافع ثروت و قدرتشان وضع می‌کنند. در گزارش سال ۲۰۱۴ موسسه بین المللی آکسفام گفته شده است: «براساس نظرسنجی‌هایی که توسط مؤسسه در شش کشور برزیل، هند، آفریقای جنوبی، اسپانیا، بریتانیا و آمریکا انجام شده است اکثر پاسخ دهندگان معتقدند که قوانین و نحوه مدیریت جامعه براساس منافع اقلیت صاحب قدرت اقتصادی تنظیم می‌شوند» حتی آکسفام در گزارش سال ۲۰۱۵ نیز صراحتاً اعلام نمود «ثروت جهانی به‌طور فزاینده‌ای در دستان نخبگان ثروتمند محدودی (آبرطبقه) متمرکز شده است. . . شرکت‌های وابسته به هر یک از این افراد سالانه میلیون‌ها دلار در لابی‌گری‌های سیاسی برای به دست آوردن حمایت، قدرت، نفوذ و افزایش سود و سرمایه‌شان هزینه می‌کنند»

به نظر می‌رسد منطق آن‌ها دقیقاً بر این واقعیت استوار است که ژان ژاک روسو در کتاب قرارداد اجتماعی خود نوشت «انسان آزاد آفریده شده است اما همه جا در بردگی به سر می‌برد. بعضی‌ها خود را صاحب اختیار دیگران می‌دانند حال آن که خود از آن‌ها برده ترند» (مالوری، اندیشه‌های حقوقی).

این حقیقت وجود دارد که اگر فقرا صدای سیاسی داشته باشند و در تصمیم گیری‌های جامعه مشارکت کنند قوانین را به طرز منصفانه تری که مناسب به حال عموم بشریت باشد وضع و اصلاح خواهند نمود و این فرآیند ثروت اندوزی سرسام آور انحصار طلبان را به خطر خواهند انداخت.

وزیر و وکیل و نماینده مجلسی که هر ماه چندین برابر یک خانواده فقیر درآمد مالی دارد و به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی خود، عروسک خیمه شب بازی ائتلاف قدرت و ثروت است حال تنگدستان را از کجا خواهد فهمید!

دادخواهی بی واهمه، دادگستری و فقرا

در دستیابی برابر و بدون تبعیض به خدمات قضایی باید همواره از اقشار آسیب پذیر در مقابل دادخواهی آن‌ها حمایت نمود. این حمایت می‌تواند شامل حق دسترسی ارزان و حتی رایگان به امکان طرح شکایت‌های قضایی باشد. به عنوان نمونه حق داشتن وکیل معاضدتی از جمله استانداردهای دادرسی عادلانه و دادخواهی بی واهمه محسوب می‌شود.

در دیدگاهی دیگر درگیری فقرا با نظام عدالت کیفری را می‌توان مورد بحث قرار داد. اقشار آسیب پذیر جامعه به دلیل مسائل تبعیض اجتماعی و کاستی‌های بنیادین معمولاً در مظان ارتکاب جرم هستند. همانگونه که در بند ۶۵ اصول راهنما برای فقر شدید و حقوق بشر آمده است: «عوامل ساختاری و اجتماعی گوناگون از جمله تبعیض باعث درگیری بسیار زیاد فقیران با نظام عدالت کیفری می‌شود آنان با موانع قابل توجهی نیز برای خروج از این نظام مواجه می‌شوند.» سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر جامعه سطح رفاه اجتماعی لازم را برای همگان فراهم می‌نمود آیا بسترهای وقوع جرم ناشی از نابرابری اجتماعی شکل می‌گرفت؟! به نظر می‌رسد بهتر است قبل از اینکه چوبه‌های دار را آماده کرده و سلول‌های تاریک را پر از سرکوب شدگان اقتصادی نماییم به این فکر کنیم که مثلاً آیا یک شخص مرفه هم نیاز به دزدی دارد؟! اگر رفاه اجتماعی تامین نگردد و از فقرا حمایت لازم صورت نگیرد در حقیقت جامعه آن‌ها را به پرتگاه جرم و جنایت سوق می‌دهد. این گونه می‌شود که «در نتیجه تعداد بسیار زیادی از فقیرترین و مطرودمترین افراد دستگیر، بازداشت و زندانی می‌شوند، بسیاری از آنان پیش از محاکمه مدت‌ها بدون امکان استفاده از وثیقه یا رسیدگی در زندان می‌مانند احتمال محکوم شدن آنان چون معمولاً قادر به پرداخت اجرت وکیل نیستند بیشتر است. . . جریمه‌های تحمیلی به فقیران تاثیر شدیدی بر آنان دارد و وضعیت ایشان را بدتر و دور باطل فقر آنان را دائمی می‌کند.» (اصول راهنما به فقر شدید و حقوق بشر)

به نظر می‌رسد فقر و جرم رابطه‌ی خویشاوندی خاصی با هم دارند و هر دو به عنوان دو پای فلاکت، انسان مطرود از اجتماع را به نابودی می‌کشانند.

به عنوان مثال رابطه فقر و مجرمان اعدام شده چنان تنگاتنگ است که «اتلاف جهانی علیه مجازات اعدام» در روز جهانی مبارزه با اعدام (۱۰ اکتبر ۲۰۱۷) هدف خود را، افزایش آگاهی درباره دلایلی تعریف نمود که افراد «فقیر» را در معرض خطر بیشتری برای محکومیت و اعدام قرار می‌دهد.

به غیر از موارد فوق در بعضی از کشورها، فقرا ممکن است به دلیل عدم پرداخت دیون مالی و یا عدم انجام تعهدات قراردادی به زندان بیفتند. مثلاً در قوانین کشور ایران، حبس و زندان برای محکومان مالی در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی صراحتاً تعریف شده است. «در صورتی که در ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز جزء امضا کنندگان آن محسوب می‌شود تأکید گردیده «هیچ کس را نمی‌توان تنها به این علت که قادر به اجرای یک تعهد قراردادی خود نیست زندانی کرد» هر چند در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی شرایطی جهت ادعای اعسار و تفسیط طرح گردیده اما به نظر می‌رسد در عمل ناموفق بوده است. آمار بالای محکومان مالی مجبوس حکایت از آن دارد که محتملاً حکم اعسار و تفسیط آن‌ها بر اساس توانایی واقعی مالی آن‌ها صادر نشده است و گرنه بسیار بعید است که کسی توانایی مالی داشته باشد ولی خود را به دستبند زندان و حبس بسپارد و پشت میله‌های زندان عذاب بکشد! مگر نه اینکه اصل بر عدم توانایی مالی است تا اینکه خلاف آن ثابت شود پس چرا برعکس عمل کرده ایم و اصل را بر توانایی مالی گذاشته ایم!» (خوشروی: ۱۳۹۷)

فقر و گروه‌های خاص

در جریان قتل عام فقرا به دست تبعیض و گرسنگی، گروه‌های خاصی وجود دارند که بیش از بقیه زیر چرخ دنده‌های فقر متلاشی می‌شوند. زنان، کودکان، سالمندان، معلولان، کارگران، پناهجویان مهاجر و حتی اقلیت‌ها از جمله افرادی هستند که طعم فقر را بیش از دیگران می‌چشند. مثلاً در مورد کودکان، در بند ۳۲ اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر تأکید شده است. «با توجه به این که بیشتر کسانی که در فقر زندگی می‌کنند کودک هستند و این که فقر در کودکی از عوامل ریشه‌ای فقر در بزرگسالی است باید به تأمین حقوق کودکان اولیت داده شود». در اعلامیه هزاره ملل متحد نیز آمده است که «مردان و زنان حق دارند به دلخواه خود زندگی کنند و کودکان خود را با شرف و منزلت انسانی رها از گرسنگی و رها از بیم خشونت، سرکوب یا بی‌عدالتی پرورش دهند».

در مورد زنان نیز در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و اصول راهنما درباره فقر شدید از شرایط فقر و تنگدستی زنان و حداقل امکانات آن ابزار نگرانی فراوانی شده است. در مورد معلولین در مقدمه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تأکید گردیده که بیش از ۹۰ درصد معلولان در فقر به سر می‌برند. در دستور کار توسعه از جمله شامل معلولان نیز به لزوم پشتیبانی از حمایت‌های شناختی و پژوهشی میان معلولیت و ریشه‌کنی فقر اشاره شده است. در مورد کارگران، بند ۸۴ اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر از

دولت‌ها می‌خواهد تا حمایت کنند از کارگران و خانواده‌های آن‌ها برای رسیدن به رفاه و سطح زندگی خوب.

در اعلامیه حقوق بشر وین نیز بیان شده است که باید «نسبت به ارتقا و حمایت از حقوق افراد متعلق گروه‌های آسیب پذیر از جمله کارگران مهاجر، امحا کلیه اشکال تبعیض علیه آنان و تقویت و اجرای هر چه موثر تر اسناد موجود در زمینه حقوق بشر اهمیت زیادی داده شود».

و در آخر حمایت از سالمندان به عنوان یک گروه آسیب پذیر و مستعد قرارگیری در شرایط فقر بایست مورد توجه باشد. همچنین پناه جویان که از درد فقر مادی و معنوی سر به بیابان آوارگی می‌گذارند روزهای سخت عجیبی را به سر می‌برند. نمونه بارز پناه جویان گرفتار شرایط فقر را می‌توان در کشور همسایه ترکیه جستجو نمود. باید متأسف شد بر سازمان‌های بین المللی و سیستم ترکیه که به نظر می‌رسد نمی‌تواند به درستی از پناهجویان بین المللی حمایت کند. در آخر، اقلیت‌های نژادی، مذهبی، زبانی مخصوصاً در کشورهای استبداد زده زمینه‌هایی از فقر را به دلیل تبعیض و سرکوب تجربه می‌کنند. در هر حال به نظر می‌رسد در اسناد بین المللی حقوق بشر، در مورد رابطه فقر با سالمندان، اقلیت‌ها و پناه جویان آسیب پذیر کمتر صحبت شده است.

حق بر آب و غذا

طبیعی است که انسان برای زنده ماندن به غذای کافی و آب سالم نیاز دارد و این واقعیت انکارناپذیر است که طبقات فرو دست جامعه به دلیل کمبود در آمد، توانایی تامین نیازهای غذایی خود و خانواده شان را ندارند. به هر حال انسان‌هایی هستند که روزی با یک وعده غذا زندگی می‌گذرانند و فرزندان‌شان از سوء تغذیه مفرط رنج می‌برند. گرسنگی عادت هر روزه ی آنهاست! آن‌ها حتی گاهی ماه‌ها به بعضی از غذاهای معمولی مانند گوشت دسترسی ندارند. در مقابل، چه شرم آور است حال عده ای که از سیری و شکم بارگی حتی نمی‌توانند غذای یک وعده شان را کامل بخورند.

در هر حال «پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر» و دسترسی به آب سالم از اهداف اصلی سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ محسوب می‌شود. جامعه جهانی در سند بین المللی مذکور بر تضمین دسترسی همگان علی‌الخصوص فقرا به غذای سالم، مغذی و کافی تأکید نموده و پایان دادن به همه‌ی اشکال سوء تغذیه و تحقق دسترسی به آب آشامیدنی سالم را مد نظر قرار داده است. در بند ۷۵ اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر نیز، فقدان امنیت غذایی از دلایل مهم به خطر افتادن منزلت و استقلال انسان‌ها ذکر شده است. هر چند سال ما قبل در سال ۱۹۷۴ اعلامیه جهانی ریشه کنی گرسنگی و سوء تغذیه، از بین بردن گرسنگی و سوء تغذیه را هدف‌های مشترک همه‌ی ملت‌ها بر شمرده بود اما به نظر می‌رسد هنوز جامعه جهانی در عمل نتوانسته مشکل گرسنگی و سوء تغذیه و البته مشکل دسترسی به آب آشامیدنی سالم را حل کند.

همچنین فقرا معمولاً به دلیل زندگی در روستاهای دور افتاده و یا در حاشیه شهر ها و زاغه‌ها که معمولاً مورد حمایت نظام خدماتی قرار نمی‌گیرد از دسترسی به آب سالم نیز محروم هستند. این مساله در بند ۷۷ اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر به درستی تاکید شده است.

به نظر می‌رسد همانگونه که در گزاره برگ شماره ۳۵ کمیساریای عالی حقوق بشر با عنوان «حق بر آب» بیان شده است ریشه اینگونه مشکلات و «ریشه بحران کنونی آب و تاسیسات بهداشتی را می‌توان در فقر، نابرابری و مناسبات نابرابر قدرت جست و جو نمود که به واسطه چالش‌های اجتماعی و زیست محیطی تشدید می‌گردند».

حق مسکن

مسکن پایگاه تجمع یک خانواده اجتماعی محسوب می‌شود که در آن برنامه ها و اهداف فردی و اجتماعی اعضای خانواده شکل می‌گیرد. در مسکن مناسب با استانداردهای بشر اساس تربیت و آموزش فرزندان بنیان گذاشته شده و آن‌ها برای ورود به اجتماع آماده می‌شوند. در مقابل، زاغه نشینی و به حاشیه راندن فقرا از مرکزیت اجتماعی شهر، تبعاتی جز تولید جنایت و فروپاشی تمدن‌های بشری نخواهد داشت.

در هر حال هر فرد حق دارد که فارغ از دین و نژاد و حتی عقاید سیاسی اش در یک خانه متناسب با معیارهای زندگی خوب، آرامش خود را جستجو کند و سیستم حاکمیت موظف است حمایت کند از کسانی که نمی‌توانند از مسکن خوب بهره مند شوند. باید حق زندگی در مسکن استاندارد برای فرد فرد یک جامعه تضمین شود. چنانچه در سند بین المللی توسعه پایدار ۲۰۳۰، دسترسی افراد به مسکن مناسب ایمن، مقرون به صرفه، خدمات پایه و نوسازی محله های فقیرنشین از اهداف مهم جامعه جهانی تعریف شده است.

اصلاً قابل درک نیست که عده ای خانه‌های مضاعف در مضاعف را به لیست اسناد مالکیت خود اضافه کنند در حالی که در چند محله پایین تر عده ای دیگر حتی در تامین اجاره بهای خانه های شبه ویرانه‌ی خود مانده اند.

در بند ۷۹ سند بین المللی اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر، بر آسیب پذیری فقرا از تبعیض در دسترسی به مسکن، فقدان مسکن با قیمت مناسب و سوداگری و سوء استفاده در زمینه مسکن و زمین انتقاد شده و از تشدید وحشت مداوم فقرا از تخلیه و مصادره گفته می‌شود. این سند جهانی عدم امنیت اجاره نشینی را از معضلات اساسی فقرا محسوب می‌نماید. در هر حال اصول راهنما از دولت ها می‌خواهد «پرداخت عمومی کافی برای مسکن با قیمت مناسب را تضمین و از سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت کنند که فقیران را قادر به دسترسی به مسکن با قیمت مناسب می‌سازد».

هر چند سال ها قبل، ماده ۱۸ اعلامیه حق توسعه از کشورها خواسته بود تا «همه اقدامات لازم را برای تضمین دسترسی به مسکن تضمین نمایند».

نتیجتاً به نظر می‌رسد فراموش شدگان جامعه در زاغه‌های طرد شدگی به زندان افکنده شده و انحصارطلبان اقتصادی حتی خانه‌ها را نیز به اسارت گرفته‌اند. با این سیستم اقتصادی که به اصحاب قدرت و ثروت اجازه می‌دهد که تا هر چقدر دلشان خواست خانه و زمین بخرند نمی‌توان حق مسکن را برای فقرا تضمین نمود. چنین به نظر می‌رسد به هر نحو ممکن بایست از ثروتمندان زیاده طلب باز پس گرفت و به فقرا داد. عدالت همین است اگر اجرا شود! به هر حال اگر ثروتمندان سهم فقرا را ندهند همانگونه می‌شود که «لئون تولستوی» گفت: «مالکیت دزدی است این واقعی‌ترین حقیقت و از قانون اساسی انگلیس نیز واقعی‌تر است و تا زمانی که نوع بشر وجود داشته باشد واقعی‌ترین حقیقت باقی خواهد ماند» (ادیات و حقوق مالوری)

آموزش و پرورش

تحصیل در مدارس و یادگیری دروس آموزشی می‌تواند در وصول به اهداف یک جامعه نقش اساسی را ایفا کند. کیفیت انجام مسئولیت‌های گوناگون اجتماعی و شغلی را می‌توان در آموزش و پرورش ریشه یابی نمود. آموزش صحیح به کودکان آن‌ها را با لایه‌های مختلف اجتماعی آشنا نموده و مسیر رشد و تعالی فرزندان یک سرزمین در جهت دست یابی به پیشرفت جمعی را آماده می‌نماید. اگر آموزش و پرورش از ابتدایی تا سطح عالی بر مبنای اصول کرامت انسانی باشد طبیعتاً جامعه‌ی بهتری خواهیم داشت. متأسفانه در این میان فقرا به طرز عجیبی از دستیابی به آموزش و پرورش استاندارد محروم می‌مانند. به عنوان مثال آن‌ها مجبورند در چرخه‌ی فقر و فقدان درآمد متناسب خانواده‌ها به جای درس خواندن، کار کنند و معضل فاجعه بار کودکان کار فرصتی برای تحصیل متعالی نخواهد گذاشت. مصداقاً در بند ۸۷ سند جهانی «اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر» اذعان شده است: «احتمال اینکه کودکان فقیر برای حضور در فعالیت‌های درآمدزا یا کار در خانه ترک تحصیل کنند یا هرگز به مدرسه نروند زیاد است... پیامدهای اقتصادی تکمیل نکردن دوره‌های ابتدایی یا متوسطه ویرانگر بوده و چرخه‌ی باطل فقر را دائمی می‌سازد.»

هنچنین در هدف اصلی چهارم «سند جهانی دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰» حق تحصیل رایگان و بدون شهریه آموزش ابتدایی و متوسطه و دسترسی برابر همه زنان و مردان به آموزش عالی و دانشگاهی تضمین شده است.

سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۱۵ مورد تصویب کشورهای جهان قرار گرفت گامی مرتقی‌تر از ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه هزاره ملل متحد بود که در آن‌ها فقط حق تحصیل رایگان در سطح ابتدایی تضمین شده است.

هر چند قبل تر در سال ۲۰۱۲ در سند بین المللی «اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر» از دولت ها خواسته شده بود برای ارائه تدریجی آموزش رایگان در دوره دبیرستان و سطوح عالی تر، برای گروه های آسیب پذیر جامعه تدابیری بیندیشند.

البته باید به این نکته توجه نمود که فقرا معمولاً بیشتر از سطوح ابتدایی و متوسطه، از تحصیل در سطح عالی و دانشگاهی محروم می شوند. چرا که آن ها دیگر به سن قانونی کار رسیده اند و خانواده به دلیل نارسایی های اقتصادی از آنها انتظار دارد که به جای تحصیل، کار کنند. رایگان نبودن آموزش در سطح عالی، عدم وجود دانشگاه در محل سکونت و... موانع دیگری است که فقرا را از تحصیلات عالی باز می دارد.

در مقابل، فرزندان خانواده های ثروتمند به دلیل امکانات مالی در بهترین کشورهای خارجی به تحصیل می پردازند و مشخصاً به کار مشغول می شوند و معمولاً مناصب سیاسی و اجتماعی رده بالا را تصاحب می کنند.

به نظر می رسد اگر کرسی رایگانی برای تحصیل در آموزش عالی باشد مشخصاً باید فقیران را در اولویت قرار داد و حتی با تعیین مقرری برای آن ها امکان تحصیل بی دغدغه فراهم گردد. اما چه می توان کرد که چرخه ی تبعیض آمیز سرمایه داری نوین، حق آموزش عالی رایگان برای فقرا را به رسمیت نمی شناسد. به نظر می رسد در تحصیلات عالی رایگان اولویت با فقر است چرا که ثروتمندان به هر نحو ممکن حتی در دانشگاه های خصوصی تحصیل خواهند کرد.

بهداشت و درمان

حق برخورداری از بهداشت و سلامت آنچنان اهمیت دارد که در اهداف سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ دسترسی همگانی به چنین حقی تضمین شده است بدون آنکه یک فرد در بهره مندی از بهداشت و درمان با مسائل و مشکلات مالی مواجه شود.

واضح است که هیچ کس نباید به هر دلیلی از یک زندگی بهداشت مدار محروم باشد. اگر در جامعه جهانی روند درمان بیماری فقرا با بیماری ثروتمندان روالی متفاوت و تبعیض آمیز را طی کند آن جامعه دچار وضعیتی اسف بار از ظلم های طبقاتی است.

متأسفانه فقر طبقاتی در یک فرایند پی در پی، فقرا را از بهداشت عمومی و تامین غذا و آب سالم محروم کرده و در ادامه آن ها را به ورطه بیماری سوق می دهد و در آخر هزینه های دارو و درمان، چاره ای جز مرگ و رنج برای آن ها باقی نمی گذارد. حتی این فرایند معکوس می تواند باشد و هستند افرادی که به خاطر هزینه های گزاف بیماری از طبقه بندی متوسط به زیر خط فقر سقوط کرده اند چنانچه سند بین المللی اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر صراحتاً بیان می دارد «در مثالی روشن ازدور باطل فقر،

احتمال فقیر شدن اشخاص بیمار خیلی بیشتر است در حالی که اشخاص فقیر در برابر حوادث بیماری و معلولیت آسیب پذیر ترند.»

در تسلسل چرخه ی فقر و بیماری، فرد بیمار که سلامتی خود را به چوبه دار فقر و نبود هزینه های درمانی سپرده است دیگر چگونه می تواند حتی کارگری کند! «دسترسی محدود به مراقبت های بهداشتی جسم و فکر از جمله داروها، تغذیه نامناسب و محیط های نامین زندگی به شدت بر سلامت فقیران تاثیر می گذارد و از توانایی آنان برای شرکت در فعالیت های مولد درآمد یا معاش تولیدی می کاهد» (اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر)

همانگونه که در مفهوم ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر تاکید شده است: عدم مراقبت های بهداشتی، بیماری، نقض عضو نباید انسان ها را از شرایط آبرومندانه زندگی محروم کند. نتیجتا به نظر می رسد در تسلسل فقر و بیماری معمولا این تنگدستان هستند که به خاطر سوء تغذیه، عدم دسترسی به بهداشت و عدم تامین هزینه های دارویی و درمانی در گرداب مرگ غرق می شوند!

کار و امنیت شغلی

تلاش در جهت اهداف زندگی مشترک، هر کسی را به شغلی خاص هدایت می کند که طبیعتا در مقابل انجام آن کار، دستمزدی وجود دارد و این دستمزد، سنگ بنای برنامه ریزی های اقتصادی فرد یا خانواده را شکل می دهد.

پس لازم است هر کس کاری مناسب با استعداد و علایق خود داشته و در مقابل از دستمزدی منصفانه بهره مند شود.

چنانچه در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده است که «هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.» در ماده ۶ میثاق بین المللی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز حق کار کردن و انتخاب آزادانه شغل مورد تاکید قرار گرفته است.

حتی عنوان «اشتغال کامل، بهره ور و اشتغال شرافتمندانه برای همه» جزو اهداف اصلی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تعریف شده و تحقق پرداخت های مساوی برای فعالیت های کاری دارای ارزش یکسان از جمله تاکیدات این سند بین المللی محسوب می شود.

در هر حال به نظر می رسد بهره کشی و سوء استفاده از اقشار آسیب پذیر و گروه های خاص مانند کارگران، زنان، کودکان و معلولان نیز شیوه های نوینی از جلوات برده داری نوین در قرن حاضر محسوب می شود.

نتیجتا بایست امنیت شغلی افراد شاغل در فرایند کار و تلاش آن ها تضمین شده و از آن ها در مقابل بیکاری های احتمالی حمایت گردد. در دستیابی به یک شغل نیز باید فرصت هایی برابر در نظر گرفته شود

نباید طوری تلقی گردد که یک فرد به دلیل امتیازهای خاص مانند نژاد، زبان، دین و یا موقعیت سیاسی و اقتصادی به شغلی خاص دست پیدا نموده است و در مقابل، عده ای دیگر را بنا به همان دلایل از دستیابی به شغل مورد نظر محروم نموده اند. استخدام های رانتی و امتیازی که بدون توجه به شایستگی های شغلی اتفاق می افتد موجب تبعات جبران ناپذیری است.

حمایت های اجتماعی از فقرا

همه انسان ها حق دارند از صورتی که در شرایط منجر به فقر قرار گرفتند از طرف دولت حاکم حمایت شوند تا بتوانند دوباره به اجتماع برگشته و زندگی شرافتمندانه ای داشته باشند.

حمایت های اجتماعی از اقشار آسیب پذیر جامعه را می توان در دو بخش تامین اجتماعی مانند بیمه در زمان بیکاری، بیماری و بازنشستگی و سایر حقوق و مزایای کار و همچنین نظام جامع حمایت اجتماعی در تامین خوراک، پوشاک، مسکن و... تقسیم بندی نمود به طوری که ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق اجتماعی اقتصادی و فرهنگی حق برخورداری هر شخصی به نظام تامین اجتماعی از جمله بیمه ی اجتماعی را به رسمیت می شناسد.

به نظر می رسد دولت های بایست هر ساله میزان قابل توجهی از بودجه خود را به حمایت از فقرایی اختصاص دهند که به دلیل تنگدستی از متن جامعه اخراج شده اند!

بخش اعظم این بودجه را می توان از مالیات بر دارایی ثروتمندانی تهیه کرد که مثلاً به جای یک خانه، چندین خانه را در چنگال مالکیت خود به انحصار گرفته اند همان هایی که خرج یک روزه شان برابر با درآمد یکسال یک فقیر طرد شده از اجتماع است. بنا بر آخرین گزارش آکسفام (۲۰۱۹)، اگر ثروتمندترین افراد جهان تنها یک درصد بیشتر مالیات پرداخت کنند بیش از ۲۶۲ میلیون کودک بازمانده از تحصیل می توانند به مدرسه باز گردند و ۳.۳ میلیون نفر از محرومان از مرگ زود هنگام نجات می یابند.

در هر حال ماده ۲۵ اعلامیه جهانی بشر، بهره مندی از خدمات لازم اجتماعی را حق هر فرد دانسته و می گوید «هر کس حق دارد در مواقع بیکاری، بیماری، نقض عضو یا بیوه گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی بهره مند باشد». همچنین در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ به درستی تاکید شده است که «همه انسان ها باید به کمک نظام های تامین و حمایت اجتماعی از شرایط استاندارد زندگی بهره مند باشند».

«اعلامیه کنفرانس حقوق بشر وین» نیز از کشورها خواسته است تا اقدامات مقتضی و حمایت های اجتماعی برای حمایت از حقوق اقشار آسیب پذیر جامعه را به عمل آورند.

در هر حال دولت ها بایست دست از پای افتادگان را بگیرند و سطح رفاه اجتماعی را برای اقشار آسیب پذیر تامین کنند و گر نه قیام گرسنگان تاج و تخت ثروتمندان و قدرتمداران را بر باد خواهد داد!

وضعیت فقر در ایران

بررسی چالش‌های فقر در ایران از منظر حقوق بشر، مقال و مجالی دیگر را می‌طلبد قطعاً برای بررسی این موضوع نیازمند آمار هستیم. فعلاً جهت رعایت اختصار فقط به نمونه‌هایی از گزارش‌ها و آمارهایی بسنده می‌شود که از طریق رسانه‌ها منتشر شده است تا در فرصتی دیگر به این مساله مهم بپردازیم.

در مورد جمعیت فقیر ایران با توجه به گزارش روزنامه همدلی در ۲۹ اردیبهشت ۹۸ «مرکز پژوهش‌های مجلس چندی پیش اعلام کرد در حدود ۳۲ تا ۴۰ درصد از خانواده‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند، اما روز گذشته یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس خبر داد، این رقم (زیر خط فقر) در حدود ۵۵ درصد (جمعیت ایران) است» {۲} لازم به ذکر است در جریان استیضاح وزیر کار به تاریخ ۹۶/۱۲/۲۰ شهاب نادری نماینده مردم اورامانات در مجلس شورای اسلامی اعلام نموده بود که «نتیجه عملکرد ۶ ساله وزارت ربیعی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این است که ۸۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر هستند» {۳} همچنین بنا بر گزارش ایرنا، عباس آخوندی وزیر سابق مسکن و عضو هیات علمی دانشگاه نیز بیان کرده بود که «۱۹ میلیون نفر جمعیت شهری در فقر مطلق زندگی می‌کنند» {۴} قاب توجه است که رسول خضری عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در تاریخ ۹۷/۹/۱۴ نیز اذعان کرد «در حال حاضر بیش از ۸۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند» {۵}

در مورد حق دسترسی به آموزش و پرورش، طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان بررسی مسئله «بازماندگی از تحصیل» و «بی سوادی» در نظام آموزش و پرورش ایران که در اسفند ۱۳۹۷ منتشر شد «آمارهای رسمی (سرشماری سال ۱۳۹۵) حاکی از وجود ۸. ۷۹۵. ۵۵۲ نفر بی‌سواد (۴۹ - ۱۰ ساله) در کشور است. . . مطابق اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد افراد ۱۹ - ۶ ساله‌ای که به طور کلی خارج از مدرسه هستند (یا بی‌سواد هستند و یا در حال حاضر تحصیل نمی‌کنند)، ۲. ۳۸۶. ۱۲۰ نفر است که ۱۴/۷ درصد کل جمعیت واقع در گروه سنی ۱۹ - ۶ ساله کشور را تشکیل می‌دهند» {۶} در مورد مشکلات مسکن بنا بر گزارش اقتصاد نیوز در تاریخ ۹۷/۷/۷ وزیر راه و شهرسازی بیان نمود: «مشکلات اصلی حوزه مسکن برطرف نشده و هنوز با معضل ۱۹ میلیون بد مسکن مواجه هستیم»

در مورد وضعیت اشتغال طبق گزارش مرکز ملی آمار «نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله حاکی از آن است که ۲۵/۵ درصد از فعالان این گروه سنی در بهار ۱۳۹۷ بیکار بوده‌اند» {۷} «بر اساس اعلام سازمان جهانی کار (ILO) در صورتی که نرخ بیکاری در گروه سنی جوانان در کشوری بیش از دو برابر نرخ بیکاری کل باشد وضعیت بیکاری در آن کشور در نقطه بحرانی قرار دارد این در حالی است که هم اکنون نرخ بیکاری در جوانان بیش از دو برابر بیکاری میانگین کشوری قرار گرفته است و ۵۰ درصد بیکاران را نیز فارغ التحصیلان دانشگاهی می‌باشند و این آمار زنگ هشدار را برای برنامه ریزان به صدا در آورده است» {۸}

در مورد حق غذا، احمد میدری معاون رفاهی وزیر کار در نشست «بودجه ۹۷، تشدید یا کاهش فقر؟» که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد اعلام نمود «فقر شدید یعنی گرسنه در کشور نماند... بر اساس برآوردهای بین المللی چهار درصد مردم ایران و بر اساس برآوردهای ما دو درصد مردم ایران گرسنه اند» {۹}

در مورد حق بر آب، «در تابستان امسال (۱۳۹۷) ۳۶.۸ میلیون نفر ایرانی در ۳۳۴ شهر، یعنی ۴۶ درصد از مشترکان شبکه آب کشور تحت تنش آب شرب قرار گرفتند و حالا مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد با فرض تداوم وضع موجود، در چشم‌انداز ۱۴۰۰ بیش از ۳.۵۰ میلیون نفر از ساکنان سرزمین ایران در ۴۳۳ شهر یعنی ۸۰ درصد مشترکان شبکه آب با تنش آبی روبه‌رو خواهند شد» {۱۰}

در مورد بهداشت و درمان، سخنگوی وزارت بهداشت در آذر ۹۷ با اشاره به فعالیت بیمارستان‌های خصوصی در کشور، گفت: «نزدیک به بیست سال است که ۴۰ درصد تخت‌های این بیمارستان‌ها همیشه خالی است و از طرفی هم بیمارستان‌های خصوصی حاضر به ارائه خدمات درمانی با هزینه کمتر نیستند و ۸۰ درصد مردم نیز، توان ورود به بیمارستان خصوصی را ندارند» {۱۱} همچنین بنا بر گزارش روزنامه رسالت در آذر ۹۷ «می‌توان از سه معضل بزرگ در حوزه دارو نام برد که مردم به شدت از آن رنج می‌برند؛ اول از همه آن که بسیاری از داروها به شدت گران شده‌اند، دوم این که برخی داروها در داروخانه‌ها به زحمت پیدا می‌شوند و برخی اصلاً یافت نمی‌شوند و معضل سوم نبود یک نظام یکپارچه مدیریت دارو و بیان آمارهای متناقض از زبان مسئولین است» {۱۲}

از جهت تأثیر فقر بر گروه‌های خاص جامعه نیز به عنوان مثال، علی‌اصلاحی عضو هیئت مدیره کانون عالی شورای اسلامی کار در گفت و گو با خبرنگار ایسنا (بهمن ۹۷) اظهار کرد: «متأسفانه با توجه به شرایط اخیر فاصله بین خط فقر و تورم به ۵۳ درصد رسیده است و در این شرایط حقوق یک کارگر کفاف ۱۰ روز از ماه را می‌دهد... اوضاع کارگران در این شرایط خوب نیست و مثلاً ۹۰ درصد کارگران این روزها از خوردن گوشت محروم هستند زیرا حقوق آنها کفاف خرید گوشت را نمی‌دهد» {۱۳}

در مورد رابطه نظام عدالت کیفری و فقر نیز، محمد جعفر منتظری دادستان کل ایران طی اظهاراتی در همایش تخصصی معاونان و روسای اداره‌های مبارزه با سرقت پلیس آگاهی کشور (دی ۹۷) گفت: «شرایط اقتصادی حاکم، بیکاری و تعطیلی کارخانه‌ها از عوامل افزایش سرقت در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته است... وقتی فشار فقر و مشکلات اقتصادی به افراد جامعه افزایش یابد، طبیعتاً جرایم افزایش می‌یابد» {۱۴}

نتیجه‌گیری

رفاه اجتماعی و داشتن یک زندگی متعارف بی‌دغدغه، حق همه‌ی انسان‌ها فارغ از نژاد، مذهب و حتی عقاید فکر و سیاسی است. هیچ‌کس نباید به خاطر فقر از حقوق ذاتی بشر محروم شود رابطه فقر و حقوق

بشر آنچنان متقابل است که در زمینه فقر، حقوق بشر مجال ظهور نخواهد داشت. دولت‌ها وظیفه دارند تا با تعریف برنامه‌ها و اختصاص بودجه‌های کافی از تنگدستان جامعه حمایت لازم را انجام دهند و در یک برنامه راهبردی تلاش نمایند تا آن‌ها را از چرخه فقر و فلاکت نجات دهند.

در این میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر تا حدی تلاش نموده است تا اصول پایان فقر را برای جامعه جهانی ترسیم کند اما به نظر می‌رسد که ترسیم پایان فقر در متون بین‌المللی به تنهایی کافی نیست و بایست گام‌های عملی‌تر برداشت چرا که آمارهای مختلف نشان از عدم ریشه‌کنی فقر و حتی گسترش آن می‌باشد.

فقرا معمولاً به دلیل تبعیض، از جامعه طرد می‌شوند و به عنوان یک بخش فاقد صدای سیاسی حتی از طرح مطالبات و مشکلات خود نیز باز می‌مانند. گذشته از اینکه تنگدستان معمولاً به ساز و کارهای شکایت و دادخواهی نیز دسترسی ندارند به عنوان مخاطبان خاص نظام عدالت کیفری همواره در تنگنای مجازات‌ها و جرائم نقدی تحت فشار بوده و تسلس فقر آن‌ها ادامه دار می‌شود.

گروه‌های خاص جامعه مانند کودکان، زنان، کارگران، معلولان، پناه‌جویان و اقلیت‌ها در معرض سیل بنیان‌کن فقر بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در هر حال فقرا همواره از حقوق بنیادین زندگی عادی مانند مسکن، کار، تغذیه و آب سالم، آموزش، بهداشت و درمان محروم می‌مانند و نیازمند حمایت گسترده می‌باشند.

بر اساس آمارهای منتشره جهانی به نظر می‌رسد که فقر به عنوان متهم ردیف اول نقض حقوق بشر، هنوز ریشه‌کن نشده و اراده جهانی مذکور در اسناد بین‌المللی در عمل محقق نشده است.

پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه ثروت عظیم جهان در دست عده‌ای محدود انباشت شده است با گرفتن مالیات‌های متناسب از ثروتمندان، می‌توان در جهت حل مشکلات فقرا گام برداشت. به نظر می‌رسد نیاز به بازتعریف تکالیف کشورهای توسعه‌یافته و افراد خاص ثروتمند نسبت به فقیران، بیش از پیش احساس می‌شود و اسناد بین‌المللی بایست با گذشت از توصیه‌های اخلاقی، تکالیف عملی را مورد نظر قرار دهد.

فهرست منابع و مآخذ

- اصول راهنما درباره فقر شدید و حقوق بشر
<http://unic-ir.org/index.php?option=com>
- اعلامیه جهانی حقوق بشر
<https://www.aihrc.org.af/media/files/Laws/Elamia>
- اعلامیه جهانی ریشه کنی گرسنگی و سوء تغذیه
<http://unic-ir.org/hr/eradication%20of%20hunger.html>
- اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین
<http://unic-ir.org/hr/declaration-vienna.htm>
- اعلامیه هزاره ملل متحد
<http://unic-ir.org/publication/farsi/Millennium%20Declaration.pdf>
- حق بر آب – گزاره برگ شماره ۳۵
<http://unic-ir.org/images/RightToWater.pdf>
- خوشروی، مهدی. (۱۳۹۷). دادخواهی بی واهمه و چالش های آن در آیین دادرسی. تبریز: انتشارات ایشیق
- دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار
<https://www.un.org/ir/images/Documents/20170529sdg.pdf>
- کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان
<http://unic-ir.org/hr/convenantion-women.htm>
- گزارش سازمان آکسفام به مجمع داووس در سال ۲۰۱۸
<https://fa.euronews.com/2019/01/21/>
- مالوری، فیلیپ. (۱۳۸۱). ادبیات و حقوق. ترجمه مرتضی کلاتریان. تهران: انتشارات آگاه
- مالوری، فیلیپ. (۱۳۸۳). اندیشه های حقوقی. ترجمه مرتضی کلاتریان. تهران: انتشارات آگاه
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
<http://unic-ir.org/hr/convenant-ec.htm>
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
<http://unic-ir.org/hr/convenant-cp.htm>
- منابع مطبوعاتی و رسانه ای
- {۱} <https://www.mehrnews.com/news/3879150/>
- {۲} <http://www.hamdelidaily.ir/?newsid=61778>
- {۳} <https://www.icana.ir/Fa/News/375039/>
- {۴} <https://www.irna.ir/news/83232439/19>
- {۵} <http://www.irinn.ir/fa/news/647454/>

{۶} <http://rc.majlis.ir/fa/news/show/1123828>

{۷} <https://www.amar.org.ir/news/ID/5604/>

{۸} <http://www.stnews.ir/content/news/54302/>

{۹} <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3685736>

{۱۰} <https://www.irna.ir/news/83157055/>

{۱۱} <https://www.khabaronline.ir/news/1213488/>

{۱۲} <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3834221>

{۱۳} <https://www.isna.ir/news/97112412392/>

{۱۴} <https://www.aa.com.tr/fa/>

(تمامی منابع الکترونیکی در تاریخ اردیبهشت و خرداد ۹۸ مشاهده شده است)

